

## سفری به دیار محبت‌ریز

آرزوی سفر ایران، بی‌شک، در ذهن و خیال هر کسی که احساس خودشناسی و معرفت اصالت دارد، همیشه بروز می‌کند.

شکرگذار هستم که این سعادت مرا در جریای شرکت در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نصیب گردید و با مقصد اشتراک در این نمایشگاه و بازدید از مرکزهای علمی و فرهنگی این سفر انجام پذیرفت. هیئت ۴۰ نفره تاجیکستان از حساب عالمان و ادیبان، استادان دانشگاه‌های عالی کشور، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و غیره ترکیب یافته بود که می‌توان اینجا از نام‌های دانشمندانی چون عبدالنبی ستارزاده، عابدالجمال حسناف، منیره شهیدی، روشن رحمانیان، شاعران زلفیه عطای، حبیب الله ناظری، شمس ختلانی و دیگران یادآورد. روز اول سفر که مسیر آن از طریق شهر مقدّس مشهد جریان گرفت، توسط هواپیمایی شرکت آسمان جمهوری اسلامی ایران ما به این شهر پرواز انجام دادیم. وقتی هواپیما در فراز این شهر پایین می‌شود، آثاری از تاریخ مشترک و فرهنگی یگانه قدیمی ما هویدا بود. بناها و یادگاری‌های بی‌شمار تاریخی ما را به سوی درازی تاریخ ملت می‌برد.

در طول سه ساعت در مشهد امکان پیدا کردیم تا به بخشی از یادگاری‌های تاریخی و سنت و مخصوصیت‌های این شهر آشنایی پیدا نماییم. ادامه راه ما به سمت پایتخت جمهوری اسلامی ایران، شهر تهران جریان گرفت که آنجا بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران جریان داشت. شام اول سفر ما با آشنایی با شهر تهران که هم از نظر جغرافی و هم از نظر نفوذ اهالی، از جمله شهرهای کلان جهان محسوب می‌شود، با

یک چشم انداز کوتاه به انجام رسید. با هدایت گروه ره بلدانمان از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ما در یکی از فراغت‌گاه‌های موضع نیاوران جای گرفتیم. صبح روز دیگر فرصت شناسایی ما از بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آغاز یافت. وسعت این نمایشگاه واقعاً تصوّرناپذیر است. طبق آمار موجود تنها در خود جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۰۰۰ انتشارات موجود است که اکثر آنها در این نمایشگاه شرکت داشتند. علاوه بر این بیش از ۴۰ کشور جهان آثار مطبوع خویش را به معرض نمایش گذاشتند. آشنایی با نمایشگاه از نظر دیگر بازگوی قدرت بزرگ نشری کشور محسوب می‌گردد. مسلم است که ایران از نظر طبع و نشر در سراسر جهان یکی از کشورهای دست اوّل به شمار می‌رود و وسعت این نمایشگاه با شکوه دیگر باره این مقام و منزلت را به ثبوت رسانید.

برنامه سفر ما در تهران بازدید از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشور را نیز فراگرفت. یادآور باید شد که هفته‌ای که ما در این سرزمین مقدس قرار داشتیم، به افتخار یکی از پیشوایان معرفتی ایران دکتر شهید مرتضی مطهری هفته معلّم اعلان شده بود که آن با شکوه‌مندی تمام در دانشگاه و دانشکده‌های مملکت جریان داشت. از جمله، بازدید ما از دانشگاه تهران که در شمار دانشگاه‌های با نفوذ این کشور و هم بیرون از آن قرار دارد، صورت گرفت. با استادان و مسئولان دانشگاه صحبت‌های جالب راجع به پیوند و همکاری‌های علمی صورت گرفت.

سفر ما در ادامه به بازدید شهرهای تاریخی اصفهان، شیراز، مشهد و نیشابور و طوس جریان گرفت که به اتفاق وجود مرقد مبارک چندین تن از شعرای بزرگ فارس و تاجیک هر نفر را آرزوی دیدار این مکان‌های مقدس هویدا می‌شود. نخست، ما از طریق اتوبوس به شهر اصفهان رسیدیم. مسافرت با اتوبوس امکان داد که بیشتر و بیشتر با جغرافیای جمهوری اسلامی ایران پیوند و شناسایی پیدا نمایم.

در اصفهان آن چه ذهن ربا و خاطرمان بود، صحبت فضلالی تاجیک با صدارت استانداری اصفهان جناب آقای بختیاری به شمار می‌آید. در این صحبت سودمند و صمیمی با استاندار اصفهان ما با برنامه‌های من‌بعده این منطقه تاریخی و نقش آن در گسترش علم و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران آشنایی پیدا نمودیم. برای ما، جالب‌تر

آن هم بود که ملاقات با رئیس دانشگاه اصفهان انجام بدهیم. زیرا در مقیاس ایران دانشگاه مذکور در شمار دانشگاه‌های بانفوذ اعتراف شده است. در کنار انجام این ملاقات سودمند ما امکان پیدا نمودیم که از دانشکده‌های مخصوص این بارگاه معروف دیدن نموده، با فعالیت و روش‌های تحقیق استادان آن آشنا گردیم.

شهر اصفهان علاوه بر وجود مرکزهای فرهنگی و علمی یادگاری‌های بی‌نظیری، چون میدان امام یا نقش جهان که به قول سیاحانی که در عهد صفویان از آن بازدید کردند، بزرگ‌ترین و زیباترین میدان‌های جهان محسوب می‌شود، صاحب است. در اطراف این میدان مشهورترین و عظیم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان، مثل مسجد جامع عباسی واقع است که ساختمان آن مدت ۱۲۰ سال جریان داشته، از لحاظ کاشی‌کاری، خطاطی و طرح‌ریزی در سراسر جهان معروفیت پیدا نموده است. معمار این بنا علی اکبر اصفهانی است که نام او به عنوان مهندس و معمار در کتیبه در مسجد به خط ثلث ثبت گردیده است. مسجد شیخ لطف الله نیز یکی از زیباترین بناهای تاریخی اصفهان محسوب می‌گردد که در عهد صفوی ساخته شده، به خاطر کاشی‌کاری، کتیبه‌های نفیس و عالی آن به خط ثلث و به امضای خطاط معتبر صفوی علی رضا عباسی در شمار یکی از بی‌نظیرترین بناهای تاریخی ایران درآمده است. این مسجد پایه و ستون هم ندارد و دیوارهای آن مدور می‌باشند. محراب‌های مسجد در ترکیب با دیگر بناهای میدان نقش جهان ساخته شده است. دیدن چنین بناهای پرشکوه در قلب من نسبت به طراحان و هنرمندان آن احترام آمیخته با تحسین برمی‌انگیخت.

راه بلدی که ما را رهنمای می‌کرد، با افتخار از نبوغ هنرمندان این شهر و مجموع زیبا و نفیس از آثار تاریخی و میراث‌های فرهنگی آن نقل می‌کرد و برای به ثبوت سخنان خویش بیت اصفهان را گفتند نصف جهان، شد جهان من دیدم در اصفهان را با افتخار به زبان می‌آورد.

واقعاً هم، تماشای شهر اصفهان که آن را «نصف جهان» گفتند، خیلی جالب و گوارا بود. از وسط این شهر رود تاریخی و مشهور زاینده رود جاری می‌شود که بیهوده در اشعار شاعران مورد ستایش قرار نگرفته است. آن از چشمه‌ها و رودخانه‌های معتدلی نشأت می‌گیرد و در سراسر ایران یگانه رودی به شمار می‌آید که از میان شهر می‌گذرد.

در بالای این رود چند کوپروک هست که یکی با نام پل شهرستان معروف بوده، تاریخ قدیمه دارد. برخی از باستان‌شناسان ساختمان اساسی این پل را به زمان ساسانیان نسبت داده‌اند. عین حال این پل به عنوان یادگاری پرارزش دوران قدیم ارج گذاشته می‌شود و از جای‌های دیدنی اصفهان به شمار می‌آید. پل خاجو نیز که از جانب الله وردی‌خان سپهسالار شاه عباس صفوی بنا شده است، یکی از درازترین کوپروک‌های زاینده رود به شمار آمده، با طاق‌های زیبا و پوششی از کاشی‌های خوش نقش در زیر نور خورشید مانند جواهر می‌درخشد. چون دارای سی و سه چشمه است، به همین نام معروف می‌باشد. پل دیگری موسوم به پل معروف به الله وردی‌خان یا سی و سه پل، پل زمان‌خان، پل بزرگ مهر، پل مکه، پل بابا محمود، پل آذر، پل فردوسی، پل شهرستان و غیره از نظر معمار خیلی جالب‌اند. باغ‌های دو طرف زاینده‌رود، خاصه چهارباغ که درخت‌های فراوان دارد، از گردشگاه‌های بی‌نظیر اصفهان برشماریده می‌شوند. روزهای استراحت مردم آنجا خیلی زیاد می‌آیند. آدمان با اهل خانواده برای پیک نیک با اسباب بازی و اشیای خوردنی می‌آمدند و تمامی روز را روی چمن‌های سبز که مثل قالین آراسته شده بودند، گزرانیده، با نظاره دلفریب خوشحال می‌شدند.

کوه صفه در بین رشته کوه‌های دیگری که از شمال غربی شهر تا به جنوب غربی کشیده شده است، به سبب نزدیکی به اصفهان و دارا بودن چشمه‌های آب زیبایی طبیعی شهر را افزون گردانیده است. در کنار این، مسجد منارجنبان نیز که شش کیلومتر دورتر از شهر واقع است، یکی از جای‌های دیدنی‌ست. این مسجد از دو طبقه عبارت بوده، بر روی قبر عمر عبدالله - یکی از شخصیت‌های عرفانی بنا شده است. عجابتش در آن است که اگر کسی از بالا این مناره را تکان می‌داد، نه تنها مناره در حرکت می‌آمد، بلکه مناره دیگر نیز به جنبش می‌آمد.

تماشای کاخ چهل ستون نیز که در دوره حکمرانی شاه عباس اوّل ساخته شده است، برای ما خیلی خاطرمان بود. این کاخ دارای بیست ستون است و چون عکس این بیست ستون در حوض می‌افتد، چهل می‌شود. از این لحاظ، آن با نام چهل ستون معروف شده است. چون ما در فصل بهار رفته بودیم، هر چهار طرف کاخ چهل ستون گل‌های زیبای رنگارنگ دیده می‌شود که زیبایی باغ را دوچند می‌کرد.

برابر این پدیده‌ها فرهنگ اصفهان پروازگاه شاعر پرآوازه فارسی صایب تبریزی است که با نام صایب اصفهانی هم معروفیت دارد. سعادت بزرگی به ما نصیب گردید که از فضای عطرآگین شهر اصفهان، زادگاه صایب فیض برداریم.

در آن لحظه‌های مسکون بودن در شهر اصفهان بارها از آل خجند - این خانودای فرهنگ‌سالار که سال‌های زیاد در رونق علم و فرهنگ و شهرداری این سرزمین مقدس خدمت کرده‌اند، یادآور می‌شدم و خود فرهیختگان و فرهنگ‌سالاران این شهر عزیز هم چون می‌فهمیدند که ما از خجند رفتیم، حرف‌های صمیمی نسبت این خانواده ارجمند می‌گفتند. واقعاً هم، تاریخ اصفهان در ذهن خود سخاوت خاندان علمای خجندی را محفوظ می‌دارد که با نام آل خجند اشتهار داشته، روزگار خویش را در زمان سلطنت سلجوقیان به پشتیبانی و سرپرستی اهل علم و ادب بخشیده است. نمایندگان این خاندان علاوه بر قریحه و ذوق سرشار علمی ادبی خود شیوه سرپرستی اهل علم و ادب را پیش گرفته، جهت پشتیبانی و دستگیری عالمان و شاعران اعمال خیری زیاد کرده‌اند. مدرک‌های معتمد معلومات می‌دهند که این خاندان سرپرست ۱۰ شاعر و عالم بزرگ دوره خویش، چون ظهیری فاریابی، جمال‌الدین محمد ابن عبدالرزاق اصفهانی، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و دیگران بودند و محض توسط فضیلت‌های نجیب ایشان برای اهل فضل و هنر امکانات فراخ ایجاد به وجود آمده بود. ارباب بزرگ سیاسی، مرد دانشمند و فاضل، عاقل و روشن‌فکر ابوالحسن ابن علی ابن اسحاق ملقب به نظام‌الملک که در زمان حکمرانی الپ‌ارسلان و ملک‌شاه خدمت وزیری را ادا کرده است، به آل خجند و نمایندگان آن توجه خاصی داشت. بنا به معلومات مصنف «طبقات الشافعی» نظام‌الملک درجه علم و فضیلت نماینده مشهور این خاندان، ابوبکر محمد ابن سابط خجندی را که در مرو سکونت داشت، به نظر گرفته، او را برای تدریس به «نظامی» اصفهان دعوت نمود. دیری نگذشته ابوبکر خجندی با سبب اشتهار یافتنش در اصفهان سرور شافعیان شهر گردید. من بعد تا آخر قرن دوازده این خاندان ریاست مذهبی شافعیان را در اختیار داشت.

ادامه سفر ما به جانب شهر شیراز جریان گرفت مدت سفر از اصفهان تا به شیراز یازده ساعت بود. باید گفت که آرزوی دیدار شهر شیراز برای هر یک مخلص ادبیات،

به خصوص ادب‌پژوهان و سخنوران عزیز و محبت ریز است. این سعادت بزرگ را وقتی ما به زیارت مزارات متبرکه سعدی و حافظ، خاجوی کرمانی، شیخ محمدی اهلی، میرزا نظام‌الدینی دستغیب، فریدالدین طلولی، مهدی حمیدی شیرازی، سالار جنگ و دیگر افراد سرشناس و سلاطین و عزیزان بزرگ این شهر آرمان‌ها مشرف می‌گردیدیم، احساس داشتیم. واقعاً، وقتی حافظ شیرازی از کنار آب رکن‌آباد و گلگشت مصلی سخن به زبان می‌گشاد و سال‌ها دل‌های انسانیت را لبریز از محبت دیدار این شهر و این مکان بزرگ گردانیده بود، با خواندن حدیث دل حافظ در قلب هر نفر دیگری که به ادبیات و اصالت اشتیاق داشته محبت دیار عزیز ادبیات فارسی، سرزمین سعادت‌ریز به جلوه می‌آمد. بازدید از شهر شیراز از زیارت آرامگاه حافظ که مکان صاحب‌دلان و ادب‌دوستان و مشتاقان شعرو هنر است و با نام حافظیه اشتها دارد، آغاز یافت. اگر چندی ساعت ۹ بیگاه بود، داخل باغ ارادتمندان و اخلاص‌مند زیادی سیر و گشت می‌کردند و پیوسته از روح حافظ لسان‌الغیب دعا می‌خواستند.

بر سنگ مرمر قبر حافظ این دو مطلع از شاه بیت‌های او در خط نستعلیق نوشته شده بود:

مژده وصل تو کو، کز سر جان برخیزم      طایر قدسم و از دام جهان برخیزم

\*

ای دل، غلام شاه جهان باش و شاه باش      پیوسته در حمایت لطف الله باش

صبح روز دوم در شهر عشق‌انگیز و هنرپرور شیراز به زیارت مرقد شیخ سعدی مشرف گشتیم. آرامگاه سعدی نیز زیارتگاه صاحب‌دلان و سیاحان است. در همین جا که امروز مقبره اوست، خانقاهی بود که پس از وفات سعدی به آرامگاه مبدل گشت. آنجا پر از زیارت‌کنندگان بود. بر دیوارهای درونی آرامگاه سعدی کتیبه‌هایی از یک حکایت «گلستان»، قطعات از «بوستان»، «طیبات»، «بدایع» و «قصاید» نوشته شده است. اینجا هم پروازگاه آرمان‌های ادبیات‌دوستان و مخلصان شعر حکمت‌نیاکان است که وقتی به آن مکان مقدس می‌رسد، شکوه سعادت بزرگی را در خود احساس می‌نماید که واقعاً تصوّر ناپزیر می‌باشد.

بر سمت چپ آرامگاه سعدی آرامگاه فصیح‌الملک متخلص به شوریده شیرازی، یکی از شعرای معاصر نیز وجود دارد که در پی زیارت سعدی بزرگوار شرف زیارت این مرد بزرگ شعر امروز ایران به ما نصیب گردید.

شیراز برابر به این که زادگاه عزیزانی، چون سعدی و حافظ و اهلی و عرفی و دیگران است، جایگاه آثار با نفوذ تاریخی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود. همین جاست که باغی است با نام باغ ارم. اندرون این باغ سروی با شهامت بی‌نظیر خود قامت افراخته که آن را سرو کشمیر هم می‌گویند. آرامگاه شاه‌چراغ، کاخ ساسانی، کلیسای ارمنی‌ها، گنبد علی، مزار پیر حمزه سبزه‌پوش و چندین آثارخانه و مرکزهای فرهنگی این شهر یادگاری از تاریخ کهنه کشور را معرفی کرده‌اند.

وقتی از شهر شیراز بیرون می‌شوید، در فاصله نچندان دور از آرامگاه خاجوی کرمانی دروازه‌ای هست که با نام دروازه قران معروفیت دارد. خیلی رمزی و جالب است که این دروازه واقعاً سرحد دو مرحله تاریخی ایران را بازگو می‌کند. چون از دروازه قران بیرون می‌روید، راه به جانب پرسپولیس، پارسا و یا خود تخت جمشید آغاز می‌گردد و در آن مسیر دیگر همه یادگاری‌های تا اسلامی ما مکان دارند. از این جاده که حدوداً تا ۶۰ کیلومتر رفتیم، در دامنه کوه رحمت در مرو دشت شهامت تاریخ گذشته ما به صورت بازمانده‌ها یا به اصطلاح «خرابه‌های مداین» هستی تاریخی ملت ما را افاده‌گر می‌شوند. کاخ‌های آپادانا، تچر، صدستون، هشی‌شاه، چاه سنگی، خزینه تخت جمشید، بیش از سی هزار نقش‌های گوناگونی که در این مجموعه تاریخی حکاکی شده‌اند و دیگر شاهکارها و با ارزش‌ترین نمونه‌های هنری معماری یادگاری‌های تاریخی دولتی هخامنشیان بیننده را به حیرت ناورده نمی‌توانست. آنجا در کنار وجود این یادگاری‌ها، در بلندی کوه مزار اردشیر بابک وجود دارد که به زیارت آن هم مشرف گردیدیم.

در ادامه این راه بازدید از نقش رستم هم ما را فرصتی در گردش‌گاه دور تاریخ به سیر و گشت عرفانی برد و در این فاصله‌ها امکان داشتیم که از روزنه تاریخ به یک مرحله کلی تشکل فرهنگی نیاکان خود دست یابیم. کوه نقش رستم یکی از مهم‌ترین آثار باقی‌مانده جهانی و زیباترین قبرستان جهان است. مردم برای زیارت پرستش‌گاه‌ها

و دیدار آرامگاه‌های شاهان هخامنشی، خشایارشا، داریوش، اردشیر اول و داریوش دوم و نذر و نیاز به آنجا می‌آمدند.

در انتهای این سفر نورانی از شهر بزرگ شیراز که پر از خاطرات گوارا و جالب بود، ما از طریق هواپیما به مشهد رفتیم. مشهد یکی از مرکزهای با نفوذ خراسان بزرگ محسوب می‌شود، ما به شهرستان‌های اطراف آن که مهد ادبیات و فرهنگی اسلامی هم به شمار می‌روند، دیدار به انجام رسانیدیم. مخصوصاً، زیارت آرامگاه حکیم فردوسی طوسی در شهر طوس، شیخ فریدالدین عطار و حکیم عمر خیام در نیشاپور که آرمان هر نفر فارسی زبان هست، خاطرات جالبی را در ما منقش گردانید.

بازگشت از این سفر که ما را به اصالتی فرهنگی و عرفانی خود پیوند داد، در یادمان و خاطرات ما زیباترین لحظه و فرصت‌ها را با معرفت ناتکرار ثبت نمود. این فرصت کوتاه بود که خاطرات بزرگ و لحظه‌های شرف‌مندی را به زندگی ما عطا نمود و در لحظه‌های سبزی با فردوسی و سعدی و حافظ و خیام، خاجوی کرمانی، عطار نیشاپوری، صایب و دیگر فرهیختگان ادبیات فارسی بودن شرف بی‌نظیری را در هستی معنوی خود احساس نمودیم. شناسایی با موسسه‌های علمی، اهل علم و ادب کشور ایران در پیوند به این لحظه‌های سبز برای ما فرصت‌های گوارا و لبریز از معرفت بودند که کولبار سفری ما را پربار گردانیدند. دوستانی زیادی در دل‌های خود را به رسم اعتقاد و اخلاص به روی ما باز نمودند که امیدوارم، این دوستی اصل پیوند دیرگاه رمزی پیوندی معنوی دو کشوری دوست و به هم برادر ادامه خواهند یافت.

در فرجام سخن خود قرض انسانی خویش می‌حسابم که از رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان جناب آقای قهرمان سلیمانی و همچنین، از سرور دانشگاه دولتی خجند آکادمسیون، ناصر جان سلیماف جهت مساعدت در انجام این سفر سپاس فراوان اظهار نمایم.